

اثرات اورتان و نیتريت سدیم بر بافت‌های مختلف موش

دکتر فریبا کوهدانی: استادیار، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران ایران
نویسنده رابط: fkoohdan@sina.tums.ac.ir

دکتر فرهنگ ساسانی: دانشیار، گروه پاتولوژی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه تهران، تهران ایران

دکتر کاظم محمد: استاد، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران ایران

دکتر پروین مهدی پور: استاد، گروه ژنتیک پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران ایران

دریافت: ۱۳۸۶/۷/۳ پذیرش: ۱۳۸۶/۹/۶

چکیده

زمینه و هدف: برای تعیین حساسترین بافتها نسبت به اثرات سرطانزایی اورتان و تاثیر مصرف نیتريت سدیم بر آن بررسی هیستوپاتولوژیکی بر روی نوزده بافت موش انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع تجربی (Experimental) بر روی ۴۰ موش بالسی ۹-۱۱ هفته که به طور تصادفی به ۴ گروه مساوی تقسیم شدند (۵ موش نر و ۵ موش ماده) انجام شد. آنها را برای مدت ۲۰ هفته تحت مداخله قرار دادیم. گروه اول (NS+NaCl) در طی مداخله به جای آب آشامیدنی از سرم فیزیولوژی که ۵۰ mg/L نیتريت سدیم در آن حل شده بود استفاده نمودند. گروه دوم (U) به مدت سه روز پشت سر هم و هر روز یک بار اورتان (۶۰۰ mg/kg) در داخل صفاق (IP) تزریق شد. گروه سوم (U+NS) نیز با همین روش اورتان دریافت نمودند و علاوه بر آن، در طی مداخله همراه آب آشامیدنی ۵۰ mg/L نیتريت سدیم داده شد. در گروه چهارم (U) هیچ‌گونه مداخله‌ای انجام نشد. کلیه موشهای باقیمانده در هفته ۲۰ کشته و مورد بررسی قرار گرفت. بافت‌های مغز، چشم، قلب، ریه، معده، مری، دودنوم، ژوزنوم، کولون، سکوم، پانکراس، طحال، کبد، کلیه، مثانه، تخمدان، رحم، لوله‌های رحمی، بیضه، آنها جهت تغییرات هیستوپاتولوژیک مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج با استفاده از تست فیشر دقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در کل موشهای مورد بررسی در گروه "U" نسبت به گروههای "C" و "NS+NaCl" به ترتیب $p < 0/004$, $p < 0/02$ ، و در گروه "U+NS" نسبت به گروههای "C" و "NS+NaCl" به ترتیب $p < 0/003$, $p < 0/02$ تشکیل تومورهای ریوی افزایش معنی داری داشت. در موشهای ماده مورد بررسی، تومورهای ایجاد شده در بافت ریه در گروه "U" نسبت به هر دو گروه "C" و "NS+NaCl" ($p < 0/05$) و همچنین در گروه "U+NS" نسبت به گروههای "C" و "NS+NaCl" ($p < 0/009$) بیشتر بود. در کل موشهای تحت بررسی فراوانی تومورهای بدخیم، در گروه "U+NS" نسبت به هر دو گروه "C" و "NS+NaCl" ($0/003$) افزایش معنی دار داشت. در موشهای ماده مورد بررسی علاوه بر اینکه فراوانی تومورهای بدخیم در گروه "U+NS" نسبت به دو گروه "C" و "NS+NaCl" ($p < 0/009$) بیشتر بود نسبت به گروه "U" نیز ($p < 0/05$) افزایش معنی دار داشت. اختلاف بین فراوانی هیپرپلازی و متاپلازی در بافت معده گروههای مورد بررسی معنی دار نبود. در سایر بافتها ضایعه غیر طبیعی مشاهده نشد.

نتیجه گیری: ۱ اورتان در بافت ریه اثرات تومورزایی داشت. ۲- مصرف توام نیتريت سدیم با اورتان باعث تقویت اثرات تومورزایی اورتان در موشهای ماده و همچنین ایجاد تومورهای بدخیم هم در موشهای ماده و هم در کل موشها نسبت به گروههای "کنترل" و "نیتريت و کلرید سدیم" شد. به طوری که در موشهای ماده این گروه علاوه بر گروههای "کنترل" و "نیتريت و کلرید سدیم" نسبت به گروه "اورتان" نیز تشکیل تومورهای بدخیم تفاوت آماری معنی دار داشت. تقویت اثرات بدخیمی اورتان بوسیله نیتريت سدیم برای اولین بار در این مقاله گزارش شده است.

واژگان کلیدی: نیتريت سدیم، اورتان، سرطان، موش

مقدمه

اورتان در رژیم غذایی روزمره، مصارف فراوانی دارد (Dennis et al. 1997; Schlatter et al. 1990). این ماده از تخمیر میکروبی مواد غذایی خصوصاً مشروبات الکلی به وجود می آید و یک ماده شناخته شده سرطانزا در حیوانات و احتمالاً در انسان است (Hoffler et al. 2003; Chan 1996; Azevedo et al. 1968; Mirvish 2002). این ماده توسط آژانس بین‌المللی تحقیقات سرطان به عنوان یک ماده سرطانزای احتمالی در انسان مطرح شده است (Chan 1996). نان محتوی ۳-۱۵ ng/g، کنیاکهای حاصل از میوه‌های هسته‌دار ۲۰۰-۲۰۰۰۰ ng/g و حدود یک سوم از نمونه‌های شرابهای معمولی محتوی بیش از ۱۰ ng/g اورتان هستند (Schlatter et al. 1990). همچنین از بین مواد موجود در رژیم غذایی نقش احتمالی نیتراها و نیتریتها در سرطانزایی گزارش شده است (Luca et al. 1987). در باره مصرف توأم مواد مذکور مطالعه Iinitskii و همکارانش نشان می‌دهد که مصرف طولانی نیتريت سدیم اثرات تومورزایی اورتان را تقویت می‌نماید (Iinitskii et al. 2000). از آنجائی که در این مطالعه فقط به نقش اورتان در ایجاد تومور (اعم از خوش خیم و بدخیم) اشاره شده است تحقیق حاضر بر آن است تا نقش اورتان را در ایجاد تومورهای بدخیم نیز بررسی نماید. از سوی دیگر در بررسی قبلی نقش کمک سرطانزایی نیتريت در مراحل تشکیل و پیشرفت تومور در بافت ریه موشهای تحت مداخله با اورتان، دیده شد (کوهدانی ۱۳۸۴).

بنابراین هدف از انجام این بررسی تعیین حساسترین بافتها نسبت به اثرات سرطانزایی اورتان و نیتريت سدیم از طریق بررسی هیستوپاتولوژیکی بر روی نوزده بافت مختلف موش بود.

روش کار

مطالعه حاضر از نوع تجربی (Experimental) بر

روی ۴۰ موش بالبیسی ۹-۱۱ هفته که به طور تصادفی به ۴ گروه مساوی تقسیم شدند (۵ موش نر و ۵ موش ماده) انجام شد. موشهای هر گروه بر اساس جنسیت در قفسهای مجزا، نگهداری شدند. موشهای ماده ۱۵-۱۲ گرم و موشهای نر ۲۰-۱۵ گرم وزن داشتند. در طی انجام مطالعه رطوبت، دما و نور محیطی تحت کنترل بود. همه موشها از بسته‌های غذایی آماده معمول به مقدار دلخواه تغذیه می‌شدند و ۱۵-۱۰ روز یکبار به آنها هویج تازه داده می‌شد. هیچ نوع آنتی‌بیوتیک، ویتامین یا داروی دیگری در طی مطالعه در هیچ یک از گروهها استفاده نشد.

اورتان (Urethane) با فرمول شیمیایی $C_3H_7NO_2$ وزن مولکولی ۸۹/۰۹ و شماره کد LOT:125 H03/8 از شرکت سیگما تهیه شد. نیتريت سدیم (Sodium Nitrite) با فرمول شیمیایی $NaNO_2$ ، وزن مولکولی ۶۹ gr/mol و شماره کد ۱/۰۶۵۴۹/۰۵۰۰ از شرکت مرک (Merck) آلمان تهیه شد. کلرید سدیم به صورت سرم فیزیولوژی ۰/۹٪ از داروخانه تهیه می‌شد.

موشهای مورد مطالعه را برای مدت ۲۰ هفته تحت مداخله قرار دادیم.

گروه اول (NS+NaCl): در این گروه از زمان شروع مطالعه به مدت ۲۰ هفته به جای آب آشامیدنی از سرم فیزیولوژی ۵۰ mg/L که نیتريت سدیم در آن حل شده بود استفاده شد.

گروه دوم (U): به این گروه در طی ۴۸ ساعت با فواصل مساوی، ۳ بار اورتان و در هر بار ۶۰۰ mg/kg، در داخل صفاق [Intra peritoneal (IP)] تزریق شد.

گروه سوم (U+NS): مشابه گروه سوم به آنها اورتان تزریق شد. به این گروه همزمان با اولین تزریق اورتان تا پایان دوره ۲۰ هفته‌ای مداخله ۵۰ mg/L نیتريت سدیم همراه با آب آشامیدنی داده شد.

گروه چهارم (C): موشهای این گروه تحت هیچ‌گونه مداخله‌ای قرار نگرفتند.

از زمان شروع مطالعه تا هفته بیستم هر گاه موشی تلف شد سعی بر این بود که بلافاصله نمونه‌های بافتی آن تهیه

طبقه‌بندی شدند.

اطلاعات مربوط به شیوع ضایعات ریوی در هر یک از گروه‌ها نسبت به یکدیگر با استفاده از آزمون آماری فیشر تعیین شد.

نتایج

در گروه «U»: در بافت ریه هم آدنوم و هم کارسینوم دیده شد. تشکیل تومورهای ریوی در کل موشهای این گروه (جدول ۱) نسبت به گروههای «C» ($p < 0/004$) و «NS+NaCl» ($p < 0/02$) و همچنین در موشهای ماده (جدول ۱) نیز نسبت به هر دو گروه «C» و «NS+NaCl» ($p < 0/05$) افزایش آماری معنی‌دار داشت. تشکیل تومورهای بدخیم در ریه با سایر گروه‌ها اختلاف آماری معنی‌داری نداشت (جدول ۲). در بافت معده یک مورد هیپرپلازی و ۲ مورد متاپلازی مشاهده شد. در سایر بافتها هیچگونه تغییر پاتولوژیکی مشاهده نشد.

در گروه «U+NS»: تشکیل تومورهای ریوی در کل موشهای این گروه (جدول ۱) نسبت به گروههای «C» ($p < 0/003$) و «NS+NaCl» ($p < 0/02$) و در موشهای ماده (جدول ۱) نسبت به گروه‌های «C» و «NS+NaCl» ($p < 0/009$) بیشتر بود. در بافت ریه در بین کل حیوانات (مجموع حیوانات نر و ماده) و حیوانات ماده این گروه بیشترین تعداد کارسینوم، دیده شد (جدول ۲). تشکیل تومورهای بدخیم ریوی نیز در این گروه در کل موش‌ها ($p < 0/003$) (جدول ۲) و در موشهای ماده ($p < 0/009$) (جدول ۲) نسبت به هر دو گروه «C» و «NS+NaCl» افزایش معنی‌داری داشت. همچنین در موش‌های ماده تشکیل تومورهای بدخیم نسبت به گروه «U» نیز افزایش آماری معنی‌دار نشان داد ($p < 0/05$) (جدول ۲). در بافت معده ۳ مورد هیپرپلازی و یک مورد متاپلازی مشاهده شد. در سایر بافتها هیچگونه تغییر پاتولوژیکی مشاهده نشد (جدول ۳).

بحث

سرطان ریه نه تنها در امریکا بلکه در سرتاسر جهان در

شود. موشهای باقیمانده در پایان هفته ۲۰ ابتدا توسط ml ۰/۵-۱/۲ محلول ۱٪ اورتان در سرم فیزیولوژی به حالت بیهوشی عمیق رفته سپس آنها را کشته و بافتهای مورد نظر خارج شد. هر بافت جهت بررسی هیستوپاتولوژیک در ظرف محتوی فرمالین ۱۰٪ قرار داده شد. بافت ارسالی به صورتی برش خورد که در صورت مشاهده ضایعه در آن قسمتی از بخش سالم در کنار ضایعه موجود باشد.

در آزمایشگاه آسیب شناسی ابتدا هر نمونه مورد بررسی مجدد قرار می‌گرفت و از آنها قطعاتی به ابعاد ۵-۱۰ میلی‌متر جدا و برای ادامه مراحل هیستولوژی در ظرف جداگانه‌ای با شماره‌گذاری یکسان قرار داده می‌شدند. مرحله آب‌گیری از بافتهای انتخاب شده همزمان و بر روی تمام نمونه‌ها به صورت استاندارد انجام شد. مرحله غوطه‌ورسازی در پارافین نیز در مدت زمانی حدود ۱۲ ساعت صورت گرفت. آن‌گاه عمل قالب‌گیری با پارافین مذاب انجام و نمونه‌ها برای برش آماده شدند برشهای هیستولوژیک به کمک دستگاه میکروتوم مدل LICA با ضخامت ۵ میکرون تهیه شد.

سپس فیلمهای پارافین حاوی برشهای بافت پس از انتقال به حمام گرم بر روی لامهایی که از قبل تمیز و آغشته به چسب آلبومین بود منتقل شد، بعد از ثبوت سطحی تمام لامها پس از پارافین زدایی در محلول گزیل، با روش همتوکسیلین و ائوزین رنگ آمیزی شدند (بهادری ۱۳۶۹).

مطالعه میکروسکوپی تمام اسلایدها ابتدا با بزرگ‌نمایی حداقل و سپس برای رسیدن به تشخیص و تفسیر قطعی با بزرگ‌نمایی ۱۰۰ ادامه یافت. لازم به ذکر است که پاتولوژیست و فرد آنالیز کننده آماری از تخصیص موشها در گروه‌های مورد نظر مطلع نبودند. به هنگام مطالعه میکروسکوپی، از میدانهای دارای اهمیت تشخیصی عکسهایی تهیه شد. واکنشهای بافتی یکسان و طبیعی در کنار پدیده‌های پاتولوژیک خاص در مورد تمام نمونه‌ها مورد توجه قرار گرفت و ضایعات ریوی در سه گروه هیپرپلازی، آدنوم و کارسینوم آلوئول / برونشیول

راس عواملی است که منجر به مرگ و میر ناشی از سرطان می شود (Molina 2008).

تومورزایی اورتان در بافت ریه توسط سایر مطالعات تأیید شده است (Dong et al. 1998; Koujistani et al. 2001; Kawano et al. 1995; Chan 1996; Balansky et al. 1998; Iminov et al. 2000; Mori et al. 1999; کوهدانی ۱۳۸۴). در مطالعه ما نیز تشکیل تومور در بافت ریه در کل موشها و موشهای ماده گروه اورتان نسبت به گروههای «C» [به ترتیب ($p < 0/004$) و ($p < 0/005$)] و «NS+NaCl» [به ترتیب ($p < 0/002$) و ($p < 0/005$)] تفاوت معنی دار داشت. اما تشکیل تومور بدخیم بافت ریه در این گروه نسبت به گروه کنترل تفاوت معنی داری نداشت. مدلی که در مطالعه ما استفاده شد در ضایعات ریوی ناشی از اورتان، مرحله هیپرپلازی احتمالاً حذف شده است در حالی که بروز آدنوم و کارسینوم افزایش یافت. یافته‌های ما با مطالعه ای که بر روی موش CBA/J انجام شد همخوانی دارد و نتایج این مطالعه را در مورد حذف مرحله هیپرپلازی در ریه، تأیید می‌کند (Cazorla et al. 1998).

یافته‌های این بررسی نتایج مطالعه Yu را تأیید نکرد (Yu et al. 1999). مطالعه ما بر روی موشهای بالغ و طی یک دوره مداخله ۲۰ هفته‌ای انجام شد. احتمالاً زمان مواجهه با اورتان و فاصله زمانی بین بررسی و زمان مواجهه، عامل این تفاوت یافته‌ها است. به نظر می‌رسد مواجهه با اورتان در مراحلی که تقسیمات سلولی سریعتر است خطرات تومورزایی بیشتری در معده داشته باشد. از سوی دیگر انجام مطالعات بعدی در دوره زمانی طولانی‌تر ممکن است اثرات این ماده را در معده بهتر نشان دهد.

در حالی که در گروه «اورتان و نیتريت» در کل موشها هم تشکیل تومورهای ریوی ($p < 0/003$) و هم تشکیل تومورهای بدخیم یا آدنوکارسینوم ($p < 0/003$) (جدول ۴) نسبت به گروه کنترل معنی دار بود در موشهای ماده نیز تشکیل تومورهای ریوی ($p < 0/009$) نسبت به

گروه کنترل و تومورهای بدخیم نسبت به گروه کنترل ($p < 0/009$) و گروه «اورتان» ($p < 0/005$) تفاوت معنی دار داشت. مقایسه نتایج فوق نشان می‌دهد وقتی نیتريت سدیم همراه با اورتان داده شود باعث بروز معنی دار اثرات بدخیمی ناشی از اورتان در کل موشها و موشهای ماده می‌شود و در موشهای ماده تومورزایی ناشی از اورتان را نیز تقویت می‌نماید.

از طرف دیگر وقتی اثرات تومورزایی و تشکیل تومورهای بدخیم در گروه «اورتان و نیتريت» با گروه «نیتريت و کلرید سدیم» مقایسه شد به ترتیب با ($p < 0/002$) و ($p < 0/003$) و در موشهای ماده ($p < 0/009$) و ($p < 0/009$)، تفاوت معنی دار بود. بنابراین ظاهراً به نظر می‌رسد تأثیرات نیتريت سدیم در موشهای ماده قویتر است. از سوی دیگر می‌توان نتیجه گرفت که نیتريت سدیم فقط در شرایطی که همراه با اورتان مصرف شده است، اثرات تومورزایی و تشکیل تومور بدخیم در ریه داشته است و مصرف این ماده همراه با کلرید سدیم چنین نقشی را ایفا نکرده است.

نه تنها نیتريت سدیم اثرات ناشی از اورتان خصوصاً اثرات بدخیمی و تشکیل آدنوکارسینوم را به میزان معنی داری افزایش می‌دهد، بلکه اورتان نیز متقابلاً باعث تقویت اثرات هم سرطانزایی (Co-carcinogenic) نیتريت سدیم می‌شود (Synergism). لازم به ذکر است نتایج مطالعه حاضر برای اولین بار نقش نیتريت سدیم را در تقویت معنی دار اثرات بدخیمی اورتان در ریه نشان می‌دهد. به منظور بررسی مکانیسم عمل مواد مذکور، بافتهای توموری از نظر وجود جهش در آگزون یک ژن k-ras و پرولیفراسیون سلولی توسط پروتئین k 67 مورد بررسی قرار گرفتند که در مقالات بعدی نتایج گزارش می‌شود.

نتایج دو مطالعه نشان داد سطح سرمی نیتريت و نیتترات در بیماران مبتلا به سرطان ریه به میزان معنی داری بیش از گروه کنترل بود (Colakogullari 2006; Esme 2008). همچنین در مطالعه Colakogullari در سال 2006 دیده شد افزایش سطح سرمی نیتريت و نیتترات شانس بقاء را در

تسهیلاتی در تحقیقات سرطان معده، در اولویت قرار دارد. متاپلازی روده‌ای به عنوان یک وضعیت پیش سرطانی مورد توجه است (Tatematsu et al. 1989).

نتیجه گیری

۱- اورتان در بافت ریه اثرات تومور زاوی داشت. ۲- مصرف توام نیتريت سدیم با اورتان باعث تقویت اثرات تومور زاوی اورتان در موشهای ماده و همچنین ایجاد تومورهای بدخیم هم در موشهای ماده و هم در کل موشها شد. تقویت اثرات بدخیمی اورتان بوسیله نیتريت سدیم برای اولین بار در این مقاله گزارش شده است. مصرف روزانه نیتريت چه به صورت یک افزودنی غذایی و چه در آب آشامیدنی حتی در مقادیری که مصرف این ماده به تنهایی تاثیر نا مطلوبی ایجاد نمی کند ممکن است منجر به تشدید اثرات سوء اورتان شود و مصرف توام اورتان با نیتريت باعث افزایش معنی دار در ایجاد تومورهای بد خیم و در نتیجه تشدید اثرات سرطانی اورتان شد.

پیشنهادات: با توجه به یافته های این بررسی، برای تأیید نقش نیتريت سدیم در افزایش اثرات تومورزاوی اورتان در بافت ریه- به ویژه در تشکیل تومورهای بدخیم- انجام تحقیقات بعدی پیشنهاد می شود.

همچنین توصیه می شود در مطالعات آینده نقش جنسیت به عنوان یک متغیر مخدوش کننده احتمالی در بروز اثرات کمک سرطان زاوی نیتريت سدیم، کنترل شود.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدر دانی خود را از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی تهران که بودجه لازم جهت اجرای این پژوهش را فراهم ساختند (طرح شماره ۱۱۸۷ / ۱۳۲) ابراز می دارند.

بیماران به میزان معنی داری کاهش می دهد.

در مطالعه Iinitskii و همکارانش مصرف طولانی مدت نیتريت سدیم در بروز تعداد آدنوم ریه ناشی از مصرف اورتان افزایش معنی داری ایجاد کرده است. نتایج مطالعه ما در موشهای ماده این گروه، یافته های این مطالعه را درباره تقویت اثرات تومورزاوی اورتان توسط نیتريت سدیم تأیید می کند. مطالعه دیگری در زمینه مصرف توأم این دو ماده انجام نشده است .

هیپرپلازی در بافت معده گروه «اورتان و نیتريت» نسبت به گروه کنترل به نظر بیشتر می رسید اما این تفاوت از نظر آماری معنی دار نبود ($p < 0/08$) (جدول ۳) . در یک مطالعه بر روی F344 Rats نر در حالیکه کاتکل یا ۳- متوکسی کاتکل به تنهایی باعث هیپرپلازی خفیف یا متوسط معده شد لیکن مصرف همزمان آنها با نیتريت سدیم درجه هیپرپلازی و تشکیل پاپیلوما را افزایش داد. بنابراین نتایج این مطالعه نشان می دهد که نیتريت سدیم احتمالاً از طریق ایجاد میتوزهای فعال جدید اپی تلیوم پیش معده را افزایش می دهد (Hirose et al. 1990). نتایج ما با داده های این مطالعه همخوانی دارد.

اغلب تومورهای پیش معده از مسیر اکانتوزیز (Acanthosis) یا هیپرکراتوزیس (Hyperkeratosis)، لوکوکراتوزیس (Leukokeratosis) و پاپیلوما (Papilloma) عبور کرده و نهایتاً به شکل کارسینوما سلول های اسکواموس (Squamous cell carcinoma) مهاجم می یابند (Maekawa et al. 1976). در مطالعه ما نیز در گروه های مختلف ۴ مورد متاپلازی که همگی همراه با هیپرکراتوزیس بودند یافت شد.

لازم به ذکر است که ۲ مورد آنها در گروه «اورتان و نیتريت» یک مورد در گروه اورتان و یک مورد در گروه «نیتريت و کلرید سدیم» بود .

با توجه به سیر بسیار طولانی مراحل شروع سرطان معده، تعیین جراحات بیش سرطانی این بافت برای ایجاد

جدول ۱- شیوع تومورهای ریوی در موشهای تحت مطالعه

Pvalue	تومور تعداد(درصد)	طبیعی تعداد(درصد)	تعداد حیوانات آزمایش شده	گروه	موش
	(۰)۰	(۱۰۰)۴	۴/۰۰	(c)	کنترل
	(۲۵)۱	(۷۵)۳	۴/۰۰	(NaCl + NS)	نیتريت و کلريد سدیم
	(۶۰)۳	(۴۰)۲	۵/۰۰	(U)	اورتان
	(۵۰)۲	(۵۰)۲	۴/۰۰	(U + NS)	اورتان و نیتريت سدیم
	(۰)۰	(۱۰۰)۵	۵/۰۰	(c)	کنترل
	(۰)۰	(۱۰۰)۵	۵/۰۰	(NaCl + NS)	نیتريت و کلريد سدیم
۰/۰۰۵	(۸۰)۴*	(۲۰)۱	۵/۰۰	(U)	اورتان
۰/۰۰۹	(۱۰۰)۵**	(۰)۰	۵/۰۰	(U + NS)	اورتان و نیتريت سدیم
	(۰)۰	(۱۰۰)۹	۹/۰۰	(c)	کنترل
	(۱۱/۱)۱	(۸۸/۹)۸	۹/۰۰	(NaCl + NS)	نیتريت و کلريد سدیم
۰/۰۰۲ و ۰/۰۰۴	(۷۰)۷****,***	(۳۰)۳	۱۰/۰۰	(U)	اورتان
۰/۰۰۲ و ۰/۰۰۴	(۷۷/۸)۷****,***	(۲۲/۲)۲	۹/۰۰	(U + NS)	اورتان و نیتريت سدیم

* تفاوت آماری معنی دار با گروه های " کلريد سدیم و نیتريت " و "کنترل" ($p < 0/05$)
 ** تفاوت آماری معنی دار با گروه های "نیتريت و کلريد سدیم" و "کنترل" ($p < 0/009$)
 *** تفاوت آماری معنی دار با گروه "کنترل" ($p < 0/004$)
 **** تفاوت آماری معنی دار با گروه "نیتريت و کلريد سدیم" ($p < 0/02$)

جدول ۲- شیوع تومور بدخیم ریه در موشهای تحت مطالعه

Pvalue	بدخیم تعداد(درصد)	خوش خیم تعداد(درصد)	تعداد حیوانات آزمایش شده	گروه	موش
	(۰)۰	(۱۰۰)۴	۴/۰۰		کنترل (c)
	(۲۵)۱	(۷۵)۳	۴/۰۰	(NaCl + NS)	نیتريت و کلريد سدیم
	(۶۰)۳	(۴۰)۲	۵/۰۰	(U)	اورتان (U)
	(۵۰)۲	(۵۰)۲	۴/۰۰	(U + NS)	اورتان و نیتريت سدیم (U + NS)
	(۰)۰	(۱۰۰)۵	۵/۰۰		کنترل (c)
	(۰)۰	(۱۰۰)۵	۵/۰۰	(NaCl + NS)	نیتريت و کلريد سدیم
	(۲۰)۱	(۸۰)۴	۵/۰۰	(U)	اورتان (U)
۰/۰۰۵ و ۰/۰۰۹	(۱۰۰)۵*	(۰)۰	۵/۰۰	(U + NS)	اورتان و نیتريت سدیم (U + NS)
	(۰)۰	(۱۰۰)۹	۰۰۹		کنترل (c)
	(۰)۰	(۱۰۰)۹	۹/۰۰	(NaCl + NS)	نیتريت و کلريد سدیم
	(۴۰)۴	(۶۰)۶	۱۰/۰۰	(U)	اورتان (U)
۰/۰۰۳	(۷۷/۸)۷**	(۲۲/۲)۲	۹/۰۰	(U + NS)	اورتان و نیتريت سدیم (U + NS)

* تفاوت آماری معنی دار با گروه های "نیتريت و کلريد سدیم" و "کنترل" ($p < 0/009$) و "اورتان" ($p < 0/005$)

** تفاوت آماری معنی دار با گروه های "کلريد سدیم و نیتريت" و "کنترل" ($p < 0/003$)

جدول ۳- شیوع هیپرپلازی در بافتهای موشهای تحت مطالعه

گروه	طبیعی تعداد(درصد)	هیپرپلازی تعداد(درصد)	جمع
کنترل (C)	۸(۱۰۰)	۰(۰)	۸/۰۰
نیتریت و کلرید سدیم (NaCl + NS)	۶(۲۵)	۲(۲۵)	۸/۰۰
اورتان (U)	۸(۸۸/۹)	۱(۱۱/۱)	۹/۰۰
اورتان و نیتریت سدیم (U + NS)	۴(۵۷/۱)	۳*(۴۲/۹)	۸/۰۰

* تفاوت آماری با گروه کنترل ($p < 0.08$) معنی دار نبود.

منابع

- بهداری، م.، ۱۳۶۹. فن بافت شناسی و روش های رنگ آمیزی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- کوهدانی، ف.، ۱۳۸۴. بررسی اثرات سرطانزایی نیتریت و کلرید سدیم و اثرات ضد سرطانی ویتامین D توسط آزمایشات هیستوپاتولوژیک و ردیابی جهش های انتخابی اگزون ۱ ژن k-ras در برخی از بافتهای موش بالسی. پایاننامه دکترای علوم تغذیه، تبریز: دانشکده بهداشت و تغذیه دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
- Abraham, S.C., Park, S.J., Lee, J.H., Mugartegui, L. & Wu, T.T., 2003. Genetic alteration in gastric adenomas of intestinal and foveolar phenotypes. *Mod Pathol*, **16**, pp. 786-95.
- Azevedo, Z., Couto, J.A. and Hogg, T., 2002. Citrulline as the main precursor of ethyl carbamate in model fortified wines inoculated with *Lactobacillus hilgardii*: a marker of the levels in a spoiled fortified wine. *Letters in Applied Microbiology*, **34**, pp. 32-36.
- Balansky, R.M. and De Flora, S., 1998. Chemoprevention by N-acetylcysteine of urethane-induced clastogenicity and lung tumors in mice. *Int J Cancer*, **77**, pp. 302-5.
- Cazorla, M., Hernández, L., Fernández, P.L., Fabra, A., Peinado, M.A., Dasenbrock, C., Tillmann, T., Kamino, K., Campo, E., Kohler, M., Morawietz, G., Cardesa, A., Tomatis, L. and Mohr, U., 1998. K-ras gene mutations and absence of p53 gene mutations in spontaneous and urethane-induced early lung lesions in CBA/J mice. *Molecular carcinogenesis*, **21**, pp. 251-260.
- Chan, P.C., 1996. NTP technical report on toxicity studies of urethane in drinking water and urethane in 5% ethanol administered to F344/N rats and B6C3F1 mice. *Toxic Rep Ser*, 52,1-91,A1-9,B1-9passim.
- Colakogullari, M., Ulukaya, E., Yilmaztep, A., Ocakoglu, G., Yilmaz, M., Kardag, M. and Tokullugil, A., 2006. Higher serum nitrite levels are associated with poor survival in lung cancer. *Clinical Biochemistry*, **39**, pp. 898-03.
- Correa, P., Haenszel, W., Cuello, C., Tannenbaum, S. and Archer, M., 1975. A model for gastric cancer epidemiology. *Lancet*, **2**, pp. 58-60.
- Dennis, M.J., Massey, R.C., Ginn, R., Willetts, P., Crews, C. and Parker, I., 1997. The contribution of azodicarbonamide to ethyl carbamate formation in bread and beer. *Food addit Contam*, **14**, pp. 101-8.
- Dong, Q., Li, S., Xiao, B., Zhang, X. and Liu, X., 1998. A comparison study on the sensitivity of lung tumor shortterm induction test in three strains of mice. *Hua Xi Yi Ke Da Xue Xue Bao*, **29**, pp. 252-5.
- Esme, H., Cemec, M., Sezer, M., Saglam, H., Demir, A., Melek, H. and Unlu, M., 2008. High level of oxidative stress in patients with advanced lung cancer. *Respiro*, **13**, pp. 112-116.

- nitrosourethan in the drinking water. *Gann*, **67**, pp. 549-59.
- Mirvish, S.S., 1968. The carcinogenic action and metabolism of urethane and N-hydroxyurethane, *Adv. Cancer Res*, **11**, pp.1-42.
- Molina, J.R., Yang, P., Cassivi, S.D., Schild, S.E. and Adjei, A.A., 2008. Non-small cell lung cancer: epidemiology, risk factors, treatment, and survivorship. *Mayo Clin Proc.*, **83**, pp. 584-94.
- Mori, I., Yasuhara, K., Hayashi, S.H., Nonoyama, T. and Nomura Tand Mitsumori. K., 2000. Carcinogen dose-dependent variation in the transgene mutation spectrum in urethane –induced lung tumors in transgenic mice carrying the human prototype c-Ha-ras gene. *Cancer Letters*, **153**, pp.199-209.
- Schlatter, J. and Lutz, W.K., 1990. The carcinogenic potential of ethyl carbamate (urethane): risk assessment at human dietary exposure levels. *Food Chem Toxicol*, **28**, pp. 205-11.
- Tatematsu, M., Ozaki, K., Mutai, M., Shichino, Y., Furihata, C. and Ito, N., 1989. Enhancing effects of various gastric carcinogens on development of pepsinogen-altered pyloric glands in rats. *Carcinogenesis*, **11**, pp.1975-1978.
- Yu, W., Sipowicz, M.A., Haines, D.C., Birely, L., Diwan, B.A., Riggs, C.W., Kasprzak, K.S. and Anderson, L.M., 1999. Preconception urethane or chromium (III) treatment of male mice: multiple neoplastic and non neoplastic changes in offspring. *Toxicol Appl Pharmacol.*, **158**, pp. 161-176.
- fmodifying effects of eugenol on development of lung proliferative lesions induced by urethane in transgenic mice carrying the human prototype c-Ha-ras gene. *J Toxicol Sci*, **26**, pp. 129-39.
- Hirose, M., Fukushima, S., Hasegawa, R., Kato, T., Tanaka, H. and Ito, N., 1990. Effectes of sodium nitrite and catechol or 3-methoxycatechol in combination or rat stomathepithelium. *Jpn J Cancer Res*, **81**, pp. 857-61.
- Hoffler, U., El-Masri, H.A., Ghanayem, B.I., 2003. Cytochrome P450 2E1 (CYP2E1) is the principal enzyme responsible for urethane methabolism : Comparative studies using CYP2E1-null and wild-type mice. *J Pharmacology, Exp Ther.* 307, 1243.
- Il'nitskii, A.P., Reutov, V.P., Ryzhova, N.I., Kolpakova, A.S., Deriagina. V.P., Nekrasova, E.A., Sovluchinskaia, L.A. and Travkin, A.G., 2000. Modifying effect of nitrites on pulmonary blastogenesis and viral leukogenesis in mice: role of nitric oxide and dioxide. *Vestn Ross Akad Med Nauk*, **7**, pp. 11-6.
- Imianitov, E.N., Togo, A.V., Anisimov, V.N., 1999. Search for Ki-ras codon 61 mutations in lung adenomas induced in neonatal BALB/C mice with 5-bromodesoxyuridine injection followed by urethane treatment. *Vopr Onkol.* **45**, pp. 542-5.
- Kawano, R., Nishisaka, T., Takeshima, Y., Yonehara, S. and Inai, K., 1995. Role of point mutation of the k-ras gene in tumorigenesis of B6C3F1 mouse lung lesions induced by urethane. *Jpn J Cancer Res*, **86**, pp. 802-10.
- Koujitani, T., Yasuhara, K., Tamura, T., nodera, H., Takagi, H., Takizawa, T., Hirose, M., Hayashi, Y. and Mitsumori, K., 2001. Lack Luca D, Luca V, Cotor Fl, Raileanu L., 1987. In vivo and in vitro cytogenetic damage induced by sodium nitrite. *Mutation Research*, **189**, pp. 333-339.
- Maekawa, A., Kamiya, S. and Odashima, S., 1976. Tumors of the upper digestive tract of ACI/N rats given N-propyl-N-